



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در کلام صاحب جواهر بود ایشان فرمودند فقهاء چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده اند و حتی ایشان برای این مطلب ادعای اجماع و بلاخلاف کرد، شرط چهارم وجوب امر و نهی در صورت عدم المفسدة بود و مفسده را نیز به عدم الضرر تفسیر کردند یعنی عدم ضرر مالی و یا جانی برای خود و دیگران البته ما این شرط را قبول نکردیم.

صاحب جواهر أدله ای برای این شرط چهارم ذکر کرد؛ اول قاعده "لاضرر" ، دوم قاعده "لاخرج" ، سوم "سهولة الملة" وسماحتها" ، چهارم "اراده یُسّر" یعنی خداوند متعال یزید بکم اليسر ولا یزید بکم العسر، پنجم روایات مسعدة و امثاله که دلالت دارند در جائی واجب است که خوفی نباید و شخص قدرت داشته باشد تا شخص مستمع عمل کند در غیر اینصورت واجب نیست.

ما از همه این ادله جواب دادیم و گفتیم قاعده "لاضرر" اینجا جاری نمی شود زیرا شارع مقدس طوری جهاد را تشریح کرده که مردم آن را ضرر نمی بینند بلکه جهاد را فوز عظیم و احسان و خیر و برکت می بینند و با اشتیاق و میل به سمت آن می روند پس ادله دال بر وجوب جهاد بر قاعده "لاضرر" حکومت دارند زیرا موضوع آن را تشریحاً از بین می برند و اما قاعده "لاخرج" نیز همین طور است یعنی جهاد طوری تشریح شده که متشرعین آن را مستلزم مشقت و سختی نمی بینند بلکه آن را خدمت و فضیلتی برای خودشان می بینند.

دین اسلام سهولت دارد منتهی در جای خودش نه به طور مطلق اسلام روزه و جهاد و چیزهای مشکل هم دارد و سهولة الملة و سماحتها مربوط به جریان خانوادگی آن شخص بود که عرض کردیم و اما اراده یسر و لا عسر نیز مربوط به روزه بود که در سوره بقره بعد از تشریح روزه

خداوند فرموده اگر مریض شدید و یا مسافرت کردید روزه نگیرید پس این هم در مورد خاصی است نه اینکه کلاً اسلام بخواهد همیشه مردم در رفاه و لذت گرایی زندگی کنند.

اما در مورد اخبار نیز عرض کردیم که سندا ضعیف هستند و از طرفی با ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با آن ظهور و شدت تعارض دارند و ما نمی توانیم از ظواهر محکم و شدید این اخبار بخاطر چند خبر ضعیف دست برداریم.

صاحب جواهر در ادامه فرموده از طرفی أدله امر به معروف و نهی از منکر و از طرف دیگر قاعده "لاضرر" را داریم نسبت اینها عام و خاص من وجه می باشد گاهی ضرر هست ولی مربوط به بحث امر به معروف نیست و گاهی امر به معروف هست و ضرری نیز در بین نیست اما گاهی امر به معروف با ضرر مصادف می شود که در این صورت ما باید "لاضرر" را مخصص أدله امر به معروف قرار بدهیم و بگوئیم امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب هستند که ضرری نداشته باشند، ولی ما عرض می کنیم اصلاً اینجا جای تخصیص نیست اولاً حکومت است و اگر حکومت نباشد و نسبتشان را عام و خاص من وجه بگیریم و تعارضی پیش بیاید مسلماً أدله امر به معروف با آن ظهور محکم و قوتی که دارند بر "لاضرر" مقدم هستند، ظاهراً همین مقدار بحث کافی باشد.

صاحب جواهر به سراغ یک روایتی رفته که ذیل حدیث حضرت باقر علیه السلام بود که فرمودند در آخر الزمان کسانی خواهند آمد که در جائی که ضرر نباشد امر به معروف می کنند، ایشان در جواب از این حدیث می فرماید اولاً این مربوط به افراد خاصی در آخر الزمان است و مربوط به ما نیست ثانیاً خیلی مماشات کنیم می گوئیم اگر ضرر یسیر باشد امر به معروف و نهی از منکر اشکالی ندارد اما ضررهای عظیم مثل ضرر جانی مراد نیست، بعد می فرماید صاحب وسائل گفته مستحب است ضرر کثیر را قبول کنند ولی صاحب جواهر می فرماید ما

مرکز مهمی شده و پیغمبر می رود و در آنجا نماز می خواند و مردم همگی می روند آنجا نماز می خوانند شما نیز یک مسجدی تاسیس کنید ما نیز پیغمبر را به آنجا خواهیم آورد و آنجا را تبدیل به یک پایگاهی خواهیم کرد و من نیز به روم می روم از سلطان روم لشکری می گیرم و می آیم و بعد ما غلبه پیدا خواهیم کرد و پیغمبر را خواهیم کشت و مسلمانان را نابود خواهیم کرد، وقتی نامه به طرفدارانش رسید شروع به ساختن مسجد کردند و بعد از حضرت دعوت کردند منتهی وقتی بود که حضرت می خواستند به جنگ تبوک بروند لذا به مسجد آنها رفتند بلکه به جنگ رفتند و پیروز شدند و برگشتند قبل از اینکه وارد مدینه بشوند جبرئیل آمد و به حضرت گفت این مسجد ضرار است و حضرت نیز به آن مسجد نرفت و عده ای را فرستاد و آن را خراب کردند و آتش زدند و آنجا را زباله دان کردند، این آیه شریفه بر این جنگ نرم به این ترتیبی که عرض کردم اشاره دارد بنابراین ما باید بدانیم که جنگ نرم نیز داریم لذا همیشه باید بیدار و هوشیار باشیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

چنین استجابی را قبول نداریم زیرا دلیلی بر آن نداریم بلکه در جائی که به نفس انسان ضرر برسد و یا ضرر عظیم در بین باشد امر به معروف و نهی از منکر حرام است و بعد ایشان در مورد ابوذر و مومن آل فرعون می فرماید ما نباید خودمان را با آنها قیاس کنیم کار آنها مخصوص خودشان بوده و قضیه فی واقعه بوده و ما نمی توانیم آن را معیار قرار بدهیم، ما عرض می کنیم این جواب بسیار سستی می باشد زیرا تمام قصه ها و داستان های قرآنی و همچنین روایی برای این ذکر شده اند که ما از آنها درس بگیریم و آنها را الگو قرار بدهیم خلاصه اینکه جهاتی از فرمایشات صاحب جواهر محل اشکال می باشد.

**نکته:** در اسلام جهاد همیشه جنگ سخت نیست بلکه بیشتر جنگ نرم وجود دارد اینجا یک بابی باز می شود و آن مناظراتی است که ما داشته ایم و داریم و در قرآن کریم نیز موارد زیادی از جنگ نرم بیان شده است من جمله این آیه شریفه: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾<sup>۱</sup>، قبل از آمدن پیغمبر اسلام به مدینه شخصی بنام ابوعامر از قبیله خزرج که نصرانی و راهب و عابد بوده و وجه خوبی در مدینه داشته در مدینه بوده وقتی اسلام پیشرف کرد و پیغمبر وجه عمومی پیدا کرد این شخص نسبت به پیغمبر حسد ورزید و وارد جنگ نرم با حضرت شد و در جنگ بدر با یهودی ها مرتبط بود و کفار را تقویت می کرد، بعد از شکست در جنگ بدر رفت کفاری که شکست خورده بودند را از مکه آورد و برای جنگ اُحد آماده کرد و چون نتیجه دلخواهش حاصل نشد دوباره به مکه رفت تا نقشه دیگری بکشد و آخر الامر به این نتیجه رسید که باید با یک دولت و قدرتی سازش کند تا بتواند کاری انجام بدهد لذا با سلطان روم ارتباط پیدا کرد و از مکه برای طرفداران خودش نامه نوشته که قبیله بنی عمرو بن عوف مسجد قبا را ساخته اند و تبدیل به یک

<sup>۱</sup> سوره توبه، آیه ۱۰۷.